

سرپرست معاونت علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از ساماندهی آزمایشگاه‌های آموزشی خبر داد

دانشجویی که دست به آچار نشود مهندس نمی‌شود



سارا طاهری خبرنگار گروه دانشگاه

اسفند ۱۳۹۷ ر می‌توان یکی از نقاط عطف در تاریخ دانشگاه آزاد دانست؛ روزی که در جلسه کمیسیون دائمی هیئت امنای دانشگاه به ریاست دکتر طهرانچی، ساختار جدید دانشگاه به تصویب رسید و معاونت علوم، مهندسی و کشاورزی به عنوان یک بازوی تازه نفس در دل نظام دانشسی دانشگاه متولد شد. این اتفاق نه یک تغییر اداری ساده، بلکه بخشی از پروژه بزرگ تحول در دانشگاه آزاد بود. در آن جلسه، علیرضاهایی، معاون آموزشی وقت دانشگاه، جزئیات نمودار سازمانی این معاونت را ارائه کرد و پس از بحث و بررسی، با رأی موافق اعضا تصویب شد. کمی بعد، رهایی نخستین کسی بود که سکان این معاونت را در دست گرفت. اما ساختار دانشگاه در مسیر تحول باز هم دستخوش تغییر شد؛ تا جایی که در ۳۱ فروردین ۱۳۹۸، جواد علمایی به عنوان سرپرست معاونت علوم، مهندسی و کشاورزی منصوب شد. با پایان یک دوره سه‌ساله، سکان هدایت این معاونت از تیرماه ۱۴۰۱ با حکم شهید طهرانچی به دست محمد علی اکبری سپرده شد. با پایان یافتن دوره فعالیت او در شهریور ۱۴۰۴، دکتر بیژن رنجبر، سرپرست دانشگاه آزاد، سودابه سلیمانی را به عنوان سرپرست این معاونت منصوب کرده است؛ فردی که دوره کارشناسی، ارشد و دکتری خود را در رشته مهندسی برق قدرت در دانشگاه صنعتی شریف گذرانده و در بطن آموزش دانشگاه آزاد سال‌ها حضور فعال داشته است؛ از مدیریت گروه مهندسی برق قدرت تا معاونت دانشکده مهندسی مکانیک، برق و کامپیوتر، مدیرکل آموزش و تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات و در نهایت مدیرکل امور آموزشی معاونت امور مهندسی دانشگاه آزاد. اکنون او در کنار هدایت و مدیریت یکی از مهم‌ترین معاونت‌های موضوعی دانشگاه، باید راه دشوار پیوند میان آموزش، پژوهش و نیازهای واقعی جامعه و صنعت را ادامه دهد. موضوعی که در گفت‌وگو او با «فرهیختگان» به جزئیات آن پرداختیم و مشروح آن را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

شما آشنایی کاملی با معاونت علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه دارید. با توجه به شناخت خود، در ابتدای مسئولیت، چه اولویت‌هایی را برای مدیریت معاونت در نظر گرفته‌اید؟

همانطور که مستحضرد دوره آزمایشی یک‌ساله راه‌اندازی دانشکده‌های موضوعی به پایان رسیده بود. با ارزیابی که صورت گرفت به جهت ایجاد انسجام در امور آموزشی و پژوهشی دانشجویان، ساماندهی دانشکده‌های مربوط به رشته‌های علوم پایه، فنی مهندسی و کشاورزی در کل کشور به عنوان اولین مأموریت اینجانب در دستور کار معاونت قرار گرفت. ما در واقع با ترکیبی از دانشکده‌های سنتی و دانشکده‌هایی با عناوین موضوعی این کار را انجام داده و جلو می‌بریم. در حال حاضر با ۳۱ استان و دو واحد ویژه، جمع‌بندی‌ها را انجام داده‌ایم و این آرایش بهینه به دست آمده است. در ساماندهی مجدد دانشکده‌ها در ذیل تمامی دانشکده‌ها گروه‌ها و رشته‌های مرتبط قرار گرفته است.

دومین اقدامی که به خاطر تجربه چهار ساله‌ام در آموزش تصور می‌کنم اهمیت دارد، ساماندهی وضعیت آزمایشگاه‌های آموزشی دانشگاه است؛ معاونت فنی و مهندسی اساساً باید مهندس تربیت کنند و دانشجویی که اصطلاحاً آچار به دست نباشد و در آزمایشگاه‌های دانشگاه اصول اولیه را خوب یاد نگیرد، عملاً مهندس نمی‌شود. بنابراین در گام دوم به سمت این موضوع حرکت می‌کنیم. گام سومی که پیگیری می‌کنم مربوط به نشریات است. این نشریه‌ها دارای رتبه مشخصی هستند اما بهتر است ساماندهی شوند؛ هم از بعد کیفی و هم از این نظر که چه خلأهایی وجود دارد و لازم است در آن خصوص نشریه‌ای راه‌اندازی شود.

خوشبختانه در همین مدتی که دکتر رنجبر به عنوان سرپرست دانشگاه آزاد منصوب شدند، تعاملات خوبی با وزارت علوم داشتیم و می‌توانیم با تعامل با وزارت علوم تغییرات خوبی را همگام با تغییرات تکنولوژی روز دنیا و نیازهای منطقه‌ای و جهانی در سرفصل‌های آموزشی ایجاد کنیم. موضوع دیگری که دکتر رنجبر نیز روی آن تأکید دارند این است که روند پیش‌دفاع‌ها باید به گونه‌ای باشد که دانشجو از آغاز پروپوزال تا پایان کار و دفاع رساله‌اش، یک تیم هادی همراه خود داشته باشد. نه اینکه فقط در پایان مسیر تیمی بیاید و صرفاً پرسش و پاسخی انجام شود مبنی بر اینکه پایان‌نامه آماده دفاع است یا خیر. این رویکرد دکتر رنجبر، رویکرد کاملاً دقیق و درستی است؛ در دانشگاه‌های مطرح ایران و کشورهای خارجی هم چنین کاری انجام می‌شود و ما نیز باید رویه کنونی را اصلاح کنیم. البته این مسئله سازوکارهای خاص خود و پیچیدگی‌های ویژه‌ای دارد؛ اینکه باید به چه نحوی جلو برویم تا قابلیت اجرا و پیاده‌سازی درست آن فراهم باشد، بسیار مهم است.

مسئله بازنگری و به‌روزرسانی سرفصل‌های رشته‌ها، یکی از دغدغه‌های جدی دانشجویان و انتظارات اهالی صنعت به شمار می‌رود. اشاره کردید که مجوزی در این زمینه از وزارت علوم اخذ شده، در این مورد توضیح دهید و بفرمایید این موضوع را چگونه دنبال می‌کنید؟

اجازه دهید یک مثال برایتان بزنم. اوایل دهه ۸۰ در کل جهان موضوع تجدید ساختار در صنعت برق مطرح شده بود، در همان سال‌ها دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه صنعتی شریف درس‌هایی به دانشجویان دکتری تخصصی خود ارائه کردند که هنوز به سرفصل‌ها اضافه نشده بود اما صنعت برق ما نیاز به تحول داشت و لازم بود به سرعت مهندسان برق همگام با تغییرات جهانی آموزش داده شوند. حالا با تعاملی که بین وزارت علوم و دانشگاه آزاد ایجاد شده، این امکان برای ما هم فراهم شده است تا با راه‌اندازی شورای عالی برنامه‌ریزی بتوانیم جریان دانشی دانشگاه را با صنعت و تحولات جهانی همگام کنیم. مثلاً دانشجویی ما در رشته‌ای مانند مهندسی برق دیگر نباید صرفاً روی درس‌های سنتی مانند الکترومغناطیس به صورت گذشته تمرکز کند. باید در محتوا تکنولوژی‌های رو به رشد کنونی در درس را در نظر بگیریم تا دانشجو بفهمد این درس کجا و چگونه کاربرد دارد. در حال حاضر با توجه به ظهور هوش مصنوعی و کاربردی شدن آن در سراسر جهان، ما باید این موضوع را نیز در سرفصل‌ها وارد کنیم. برای مثال، اگر درس ریاضی ۱ داریم، باید با رویکرد هوش مصنوعی ارائه شود تا استاد صرفاً بر اساس کتاب‌های قدیمی

درس ندهد و طبق همان کتاب‌ها سؤال طرح کند. ما اساتید باید بدانیم دانشجوی این زمان با چت‌جی‌پی‌تی و سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در ارتباط است و می‌تواند نیازمندی‌های خود را از آن‌ها دریافت کند. نیازمندی دانشجویان دیگر مانند ۱۰ یا ۲۰ سال پیش نیست. این تغییرات باید هم در استاد، هم در سرفصل‌ها و هم در فرایندهای آموزشی دانشگاه رخ دهد.

در ابتدای گفت‌وگو درباره دانشکدگان‌ها و دانشکده‌های موضوعی صحبت کردید. کمی بیشتر توضیح دهید که دقیقاً قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

این موضوع یک فلسفه دقیق دارد که باید به آن اشاره کرد. وقتی از دانشکده موضوعی صحبت می‌کنیم، منظورمان یک دانشکده خاص با مأموریت و رویکرد کاملاً متمایز از دانشکده‌های سنتی است. یعنی دانشکده‌ای که باید زیرساخت‌ها و زیست‌بوم‌های مرتبط با آن فراهم باشد تا بتواند کار خود را به طور دقیق انجام دهد. مثلاً اگر ما در واحدهای دانشگاهی یک دانشکده موضوعی راه‌اندازی می‌کنیم، باید مسراه‌های مرتبط با آن را هم داشته باشیم. یعنی باید بگویم اگر مدرسه مهارتی وجود دارد، آن را به این دانشکده پیوند دهیم. در واقع، دانشجویی که در یک رشته خاص در این دانشکده پیوند قرار می‌گیرد، باید درس‌های تئوری‌اش با سراه‌ای نوآوری و مدارس مهارتی پیوند زده شود، با مسائل آموزشی خاص و سرفصل‌های مرتبط درگیر شود تا فرایند آموزشی تکمیل شود.

در دانشگاه آزاد ابتدا دانشکده‌های موضوعی را تعریف کردیم و بر اساس آمایش سرزمینی بررسی کردیم که آیا این دانشکده موضوعی با آن منطقه تناسب دارد یا خیر. سپس دانشکده‌ها را تخصیص دادیم، اما زیست‌بوم‌ها و سازوکارهای لازم برای آن‌ها فراهم نبود.

در شرایط فعلی، کاری که انجام دادیم این بود که با تک‌تک استان‌ها و واحدها صحبت شد و بررسی کردیم که آیا امکان دارد این دانشکده موضوعی که در ابتدا به آن‌ها داده شده باقی بماند و زیست‌بوم مرتبط فراهم و به آن پیوند زده شود یا خیر. در همین مرحله متوجه شدیم که در برخی موارد، دانشکده‌های موضوعی که به واحدها داده شده، توانایی ایجاد زیست‌بوم مناسب را در کوتاه‌مدت ندارند. بنابراین بهتر است در این مرحله دانشکده‌های موضوعی آن‌ها حذف شود و ضرورت حرکت به سمت دانشکده‌های موضوع محور را با ایجاد هسته آغاز کنند تا سپس قابلیت ایجاد یک دانشکده را داشته باشند. پس اگر دانشکده‌ای را تحت عنوان دانشکده موضوعی، از واحد دانشگاهی حذف کردیم با این رویکرد بود که دانشکده موضوعی را در واحدی به اصطلاح حفظ کنیم که قابلیت بلوغ آن دانشکده وجود داشته باشد و سریع‌تر اتفاق بیفتد. در حال حاضر به جهت ساماندهی رشته‌ها و دانشجویان، رشته‌های مرسوم و دانشجویان را نیز ذیل آن دانشکده با عنوان موضوعی قرار دادیم تا به عنوان مثال، در دانشکده‌ای تحت عنوان دانشکده هوش مصنوعی و فناوری‌های اجتماعی و پیشرفته، پایان‌نامه‌های دانشجویان با رویکرد هوش مصنوعی و مبتنی بر برنامه علمی‌ای که وجود دارد پیش رود. تأکید می‌کنم که در این گام، دانشکده‌ها با عناوین موضوعی در واحدهایی که استعداد داشتند و امکان بلوغ دانشکده موضوعی در آن‌ها فراهم بود، حفظ شدند و در غیر این صورت، دانشکده‌های سنتی احیا شدند. کاری که در استان‌ها انجام دادیم، این بود که سعی کردیم در آرایش جدید دانشکده‌ها، مجموع تعداد دانشکده‌ها با حالت قبل برابر باشد و علاوه بر انجام امور جاری آموزشی و پژوهشی دانشجویان، رویکرد دانشگاه موضوعی نیز دنبال شود.

بخشی از مسئولیت‌هایی که دکتر رنجبر برای شما تعریف کردند، مربوط به طرح پایش و سامانه پژوهشیار است. در حال حاضر سه موضوع را درباره پایش می‌توان مدنظر قرار داد؛ به‌روز شدن برنامه‌های علمی موجود، اضافه شدن برنامه‌های علمی جدید و پیگیری بهره‌برداری و استفاده نهاده‌ا و سازمان‌های محلی از نتایج تحقیقات صورت گرفته.

نگاه شما نسبت به این سه موضوع چگونه است؟

گام اولی که درخصوص پایش آغاز کردیم، ارزیابی تعداد زیادی از برنامه‌های علمی بود. احکام مجری‌های برنامه‌های علمی هم تمام شده بود، بنابراین یک ارزیابی مجدد از عملکرد آن‌ها انجام شد. خیلی سریع، احکام کسانی که عملکرد قابل قبولی داشتند، تمدید و ابلاغ شد. بنابراین در این مرحله به آرایشی که وجود داشت رسیدگی کردیم.

گام دوم این است که دانشجویان مرتبط و اساتید را تشویق کنیم که به ضرورت توجه به برنامه‌های علمی که مبتنی بر چالش‌های کشور است بیشتر توجه کنند. پایان‌نامه و رساله‌های بیشتری براساس برنامه‌های علمی تعریف شوند همچنین بازنگری بر برنامه‌های علمی صورت گرفته و چالش‌های جدید کشور احصا و براساس آن برنامه علمی توسعه پیدا کنند.

مثلاً در ماه‌های اخیر حمله‌روزم صهیونیستی،

بحران آب، و ناترازی انرژی را داشتیم،

طبیعتاً باید برنامه‌های علمی خاص آن

موضوعات را طراحی و بحث‌هایی

همچون راهکارهای تاب‌آوری و... را

در دستور کار قرار دهیم و دانشجویان

را به سمت آن‌ها هدایت کنیم

موضوع بعدی این است که باید

در موضوع پایش حلقه بسته شود

و پایان‌نامه و رساله‌های انجام شده در

صنعت به‌کار گرفته شود. لذا با هماهنگی

که با معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه

داریم، درصد ایجاد همکاری بیشتر با

صنعت در جهت عقد قرارداده‌ا و برقراری

پیوند صنعت و دانشگاه با حلقه واسط برنامه

علمی هستیم. خوشبختانه در همین مدت با

ارتباط‌هایی که با برخی صنایع گرفته شده

نوع همکاری که می‌توانیم با یکدیگر داشته

باشیم مشخص شده و می‌توانیم به عنوان

مقوم آموزش و پژوهش با صنایع همکاری

داشته باشیم.

بنابراین باید منتظر برنامه‌های جدیدی در پایش باشیم؟

بله. چالش‌های کشور و شرایط تغییر کرده و ما حتماً باید به سمت آن حرکت کنیم. همان‌طور که عرض کردم موضوع حمله اسرائیل و ناترازی انرژی و چالش‌های مرتبط با آن اهمیت ویژه‌ای دارد و باید به آن بپردازیم. موضوع آب یکی دیگر از چالش‌هایی است که باید به آن پرداخته شود در واقع ما باید برنامه علمی را از شرایط استاتیک خارج کرده و به مدل دینامیک تبدیل کنیم. برنامه علمی مرتبط با ناترازی انرژی در مرحله ویرایش نهایی قرار گرفته که به‌زودی به مجموعه برنامه‌های علمی اضافه می‌شود.

همچنین، تعامل مستمر با صنایع و سازمان‌های محلی دنبال می‌شود تا در نهایت پایان‌نامه‌های ما در راستای نیازهای آن صنعت و قراردادهایی که با آن نوشته می‌شود، پیش برود. برای این موضوع هم با همکاری معاونت فناوری به دل صنایع خواهیم رفت تا نیازهای آن‌ها شناسایی شده و با تعامل ایجاد شده طرح پایش شکل عملیاتی دقیق‌تری به خود بگیرد.

تغییر نظام تعاملی استاد و دانشجو و افزایش انعطاف‌پذیری فرایند آموزش مبتنی بر استعداده‌ا، بخشی از مأموریت‌های شما در معاونت عنوان شده است. منظور از «تغییر نظام تعاملی استاد و دانشجو» دقیقاً چیست؟ این تغییر قرار است در عمل چه تفاوتی در کلاس‌های دانشگاه آزاد ایجاد کند؟ افزایش «انعطاف‌پذیری آموزش» مبتنی بر استعداده‌ا چه سازوکاری دارد؟

در دوران مدیریت ادرکل امور آموزشی معاونت، این بحث را کمی جلو بردیم و کلاس‌هایی تحت عنوان «یادگیری معکوس» یا (Flipped Classroom» طراحی کردیم. این مدل شاید در دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته، اما در دانشگاه آزاد اجرا شد. پیش از این دانشجویان سر کلاس حضور پیدا می‌کرد، یک موضوع درسی توسط استاد مطرح می‌شد، اما دانشجو هیچ پیش‌بینی‌ای از آن نداشت. در یادگیری معکوس، استاد یک‌سری محتوا پیش از کلاس درس در اختیار دانشجو می‌گذارد. دانشجو پیش‌مطالع انجام می‌دهد و سپس در کلاس درس در خصوص آن بحث می‌کند. حتی یک‌سری کاربرد وجود دارد تحت عنوان کاربردگ پیش از کلاس، حین کلاس و پس از کلاس. این مدل تدریس منجر به یک سیکل کامل جهت عمق‌بخشی به یادگیری است.

در دانشگاه آزاد، ما حدود پنج ترم این مدل یادگیری را در واحدهای منتخب اجرا کردیم. البته با توجه به جمعیت حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار دانشجو و ۴۰۰ واحد و مرکز دانشگاهی با زیرساخت‌های مختلف، امکان پیاده‌سازی یک مدل برای کل دانشگاه وجود ندارد. بنابراین باید به‌صورت موردی، واحدهای دانشگاهی و رشته‌هایی که می‌توانیم این مدل را اجرا کنیم انتخاب شوند و سپس کلاس‌های درس برای آن رشته و دانشجو‌ها با دو نوع رویکرد یادگیری معکوس و یادگیری سنتی اجرا گردد و از نتایج مثبت یا منفی آن نیز ارزیابی داشته باشیم.

در چند دوره‌ای که اشاره کردم، کلاس با رویکرد آموزش معکوس و کلاس با رویکرد عادی داشتیم. دانشجو مختار بود که در کلاس آموزش معکوس یا در کلاس عادی حضور یابد. این کار به ما کمک می‌کرد که متوجه شویم آیا این رویکرد اجرایی در دانشگاه‌ها مؤثر است یا خیر. همچنین می‌توانستیم آنالیز کنیم که با امکانات موجود در سراسر کشور امکان پیاده‌سازی آن در کل کشور وجود دارد یا خیر.

نتیجه‌ای که از آن تجربه حاصل شد، این بود که نمی‌توانیم این مدل را برای همه واحدها اجرا کنیم، اما برای واحدها و استان‌های منتخب می‌توان آن را پیاده کرد. این همان موضوعی است که در حکم من مدنظر قرار گرفته و باید همچنان دنبال شود. بخش دیگری از این موضوع مربوط به دانشجویانی است که تحت عنوان دانشجویان مهارتی هستند. اگر بتوانیم این مدل را برای آن‌ها نیز اجرا کنیم، می‌توانیم با شخصی‌سازی آموزش بر اساس وضعیت دانشجو و وضعیت واحد، اقداماتی مؤثر انجام دهیم.

شهید طهرانچی روی اجرای

طرح عرصه-پایه تا تأکید

زیادی داشتند تا همان‌طور

که دانشجویان پزشکی

دوره‌های کارورزی

را در بیمارستان‌ها

می‌گذرانند، در

رشته‌های دیگر هم

ایسن مدل آموزش

عملی اجرایی

شود. اجرای

این ایده

در ادامه

فعالیت‌های معاونت مهندسی و کشاورزی دانشگاه چگونه پیگیری خواهد شد؟

در ابتدای گفت‌وگو نیز از دانشجویان آچار به‌دست صحبت کردم. بسیاری از دانشجویان با مدرک خود مهارت کافی برای ورود به جامعه، صنعت یا یافتن شغل مناسب ندارند. اما پیش‌نیاز این طرح آموزش دانشجویان در آزمایشگاه‌های دانشگاه است. نمی‌توانیم صرفاً به کلاس عرصه اکتفا کنیم، زیرا دانشجو به‌تنهایی در کلاس عرصه چیزی یاد نمی‌گیرد. در ابتدا باید وضعیت آزمایشگاه‌های آموزشی دانشگاه ساماندهی شود. منظور از ساماندهی این است که حتی ممکن است محتوا و سرفصل‌های درسی در آزمایشگاه تغییر کند. همان‌طور که می‌گویم محتوای درس‌های یک سرفصل باید تغییر کند یا حتی باید درس‌ها تغییر کنند، همین موضوع در مورد آزمایشگاه‌ها نیز صدق می‌کند. مثلاً کاری که ۳۰ سال‌ال پیش دانشجو یاد می‌گرفت، ممکن است امروز توسط ربات‌ها انجام شود.

بنابراین ما باید مهارت‌های مرتبط با فناوری جدید را به دانشجویان آموزش دهیم. سسی سال پیش که من دانشجو بودم، تکنولوژی پیشرفت چندانی نکرده بود و آن چیزی که فرا می‌گرفتم مربوط به نیاز همان زمان بود. الان زمان تغییر کرده و این تغییرات هم‌زمان با پیشرفت تکنولوژی صورت می‌گیرد و به همین دلیل، در ابتدا باید آزمایشگاه‌های آموزشی ما ساماندهی شود تا دانشجو مقدمات کار را فرا بگیرد و سپس به سمت کلاس‌های عرصه حرکت کنیم.

پیش از بحث عرصه و پایه، ما بحث پوش را نیز داشتیم که شهید طهرانچی پایه‌گذار آن بودند و بر آن تأکید داشتند و الان کلاس عرصه می‌تواند تکمیل‌کننده طرح پوش نیز باشد. البته در حال حاضر، کلاس‌های عرصه در سامانه آموزشیار دانشگاه تعریف شده‌اند، اما باید دقت داشته باشیم که برای فرستادن دانشجویان به محیط عرصه، ایمنی و مسائل فنی مربوطه به‌طور کامل رعایت شود تا هیچ آسیبی به دانشجویان وارد نشود. از سوی دیگر، محتوای کلاس‌های عرصه باید حتماً در دانشگاه جاری باشد تا دانشجو بتواند آنچه را در کلاس‌های آزمایشگاهی و تئوری یاد گرفته، در عمل و صنعت مشاهده و تجربه کند و مسیر آموزشی خود را بهتر ادامه دهد. در حوزه فنی و مهندسی این روند تازه آغاز شده است و تعداد جلساتی که برای کلاس‌های عرصه تعریف شده، محدود است. هنوز اعتماد لازم از سوی صنعت وجود ندارد تا پروژه‌ها و تجهیزات خود را در اختیار دانشجویان قرار دهند. بنابراین، باید به مرور اعتماد صنعت را جلب کنیم تا بستر کلاس‌های عرصه کامل شود و مشابه حوزه پزشکی، رویه آموزش عملی در حوزه فنی و مهندسی نیز به شکلی تکمیل و مؤثر اجرا شود.

در صحبت‌هایتان به هوش مصنوعی اشاره کردید. اواخر ترم گذشته بخشنامه‌ای آمد که دانشجویان دوره دکتری می‌توانند در امتحانات پایان‌ترم از هوش مصنوعی استفاده کنند. اجرای این طرح در سال تحصیلی جدید ادامه خواهد داشت؟

شهید طهرانچی این موضوع را مطرح کرده بودند و رویکرد ذهنی در پس این طرح دقیق بود. هدف این بود که استعداد دانشجو نسل امروز دسترسی به تمام منابع دارد و اگر استاد حواش نباشد، به سرعت جای او توسط هوش مصنوعی گرفته می‌شود. اگر من بخواهم به روش سنتی درس بدهم، دانشجوی نسل جدید دیگر نیازی به استاد ندارد که به‌طور مثال به او درس مدار را آموزش دهد. بنابراین با این رویکرد بخشنامه‌ای صادر شد و امتحانات دکتری در نیمسال گذشته به شکل دسترسی باز به کتاب، اینترنت و حتی چت‌بات‌های هوش مصنوعی برگزار شد. بنابراین، آموزش باید شخصی‌سازی شده باشد و محتوایی ارائه شود که حتی در دنیایی‌های هوش مصنوعی موجود نباشد. تا دانشجو با رغبیت کامل در کلاس حضور یابد و چیزی یاد بگیرد که منحصر‌به‌فرد است و در هوش مصنوعی و چت‌جی‌پی‌تی و... وجود ندارد. چت‌جی‌پی‌تی و سایر ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی بر پایه دنیایی‌هایی است که ما آن را خلق کردیم. هدف این بود که استاد با این رویکرد یاد بگیرد چگونه درس دهد، طراحی سؤالات امتحانی چگونه باشد و آموزش چگونه مناظر با محتوای تدریس باشد. موضوع اجرا و تداوم آن تحت نظر کمیته اجرایی آموزش بررسی می‌شود و در آن کمیته تصمیم‌گیری خواهد شد که این مدل در نیمسال‌های بعدی ادامه پیدا کند یا خیر.

سال تحصیلی جدید آغاز شده است؛ دانشگاه آزاد چگونه مهیای سال تحصیلی جدید شده است؟

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های هر دانشگاه، پایداری و تاب‌آوری آموزش است و ما در دانشگاه آزاد تلاش می‌کنیم این پایداری را با دقت کامل حفظ کنیم. منظورم از پایداری آموزش این است که دانشجویان ما به‌موقع در کلاس‌ها حضور داشته باشند و بتوانند از آموزش اساتید با کیفیت بهره‌مند شوند. خوشبختانه در این زمینه عملکرد بسیار خوبی داریم. ساماندهی کلاس درس‌ها از حیث تعداد مناسب دانشجو در هر کلاس درس و استفاده از مدرسان توانا در دستور کار قرار گرفته است و با ارزیابی‌های انجام‌شده صرفاً مدرسانی در کلاس درس‌ها حضور دارند که در ارزیابی نیمسال گذشته عملکرد خوبی داشته‌اند.

درخصوص نودانشجویان که با توجه به اعلام نتایج سازمان سنجش کشور در اواسط مهر وارد دانشگاه خواهند شد، برنامه‌ریزی برای کلاس درس‌های جبرانی آن‌ها از هم‌اکنون توسط واحدهای آموزشی انجام خواهد گرفت و امیدواریم با شرایط خوبی کار آموزش در سراسر کشور جلو برود.

علاوه بر این، ساماندهی پایان‌نامه‌ها و فرایندهای آموزشی دیگر نیز با دقت

دنبال می‌شود تا پایداری آموزش هم از لحاظ کمی و هم کیفی حفظ شود.

ایده‌ها و برنامه‌های خاصی در ذهن داریم که هنوز نهایی نشده و نیازمند هماهنگی با ریاست محترم دانشگاه است. اما اولویت اصلی ما ثبات و کیفیت دقیق آموزش در سراسر دانشگاه آزاد است؛ به‌طوری‌که هیچ تفاوتی بین آموزش دانشجویان در واحدهای مرزی و واحدهای مرکزی احساس نشود. و در پایان لازم است عرض کنم دانشگاه آزاد یک سیستم در حد و اندازه بسیار بزرگ است و اگر هر یک از بخش‌ها و یا واحدهایی آن به‌درستی به مسئولیت خود نپردازند، ک این مجموعه نمی‌تواند حرکت پیوسته و دائمی داشته باشد. لذا ما نیز در مجموعه سازمان مرکزی به عنوان بخشی از این سیستم در تلاش خواهیم بود در جهت کمک به مجموعه واحدهای دانشگاه آزاد زمینه را برای فعالیت بهتر آنها فراهم نماییم.

